



حماسه پیر یعقوب باغبانی

(۲)

رشیدالدین فضل الله وزیر سده تن از ایلیخانان که خود یکی از مالکین و ثروتمندان بزرگ بود در کتاب جامع التواریخ در بخش «حکایت در خلوت نشستن پادشاه اسلام (غازان) بقشلاق هوران موران و ظاهر شدن اندیشه مخالفت الافرنک و بیاسارسانیدن جماعت فتانان» در خصوص پیر یعقوب می نویسد :

«پادشاه اسلام (غازان) در آن قشلاق چند روزی می خواست که خلوتی بر سپیل چله بر آورد ، فرمود تا بیرون بارگاه و ثاقی بزدند و تنها در آن بنشست و هیچ آفریده را بغیر از خواجه سرایی پیش خود راه نمی داد و هر روز بانده مایه غذا قناعت می نمود . در اثنای آن حال حالتی عجیب واقع گشت و آن چنان بود که جمعی مشایخ صورت فضول سرسرت ، مقدم ایشان پیر یعقوب باغبانی در شهر تبریز ، شهزاده آفرنگ را بسبب حب جاه و مال دعوت کرده بودند و خواسته که کراماتی که نداشتند ظاهر کنند . در آن روزها مسریدی محمود نام را بار دو فرستادند تا جمعی مقربان را با خود یکی کنند . آن مرد از سر نادانی آن راز را آشکار کرد و گفت شخصی که چهل گز بالا دارد و پنج گز پهنا ، از کوه های مرند و ایقان پیش شیخ یعقوب می آید و او را تربیت می فرماید و این اسرار بروی کشف می کند و اکنون پادشاهی به شهزاده الافرنک داده ، طوعاً و کرهاً پادشاهی از آن اوست و درویشان بدوارزوانی داشته اند . این سخن بسمع خواجه سعدالدین صاحب دیوان رسید . او را بگرفت و دربند کرد و قضیه دربندگی پادشاهی اسلام عرضه داشت و خانی احتاجی را بساستحضار مفسدان فتنه انگیز تبریز فرستاد . بعد از ده روز باز آمد و پیر یعقوب و ناصرالدین ایلچی

✽ آقای دکتر حسین جعفری استاد یار تاریخ در دانشگاه استهبان از پژوهشگران

گرامیایه معاصر.

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این صفحه در اصل مجله ناقص بوده است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مذکور گردید بسنده کرده‌اند. در مورد شخص غازان خان نیز اگرچه وی اصلاحاتی را در کشور انجام داده لیکن میتوان گفت که اعتلای موقتی اقتصادی زمان او و عمران و آبادی دو پایه شهر که مقر ایلخانان بود وضع عمومی و فقر و فاقه کشور را تغییر نمی‌داد.

تجارت کاروانی که گرچه کشور غازان و دیگر ایلخانان را با بسیاری از کشورهای دور و نزدیک مربوط می‌ساخت ولی تقریباً فقط نیازمندیهای گروه حاکمه را رفع می‌نمود و نه موجب پیدایش نفوذهای جدید فرهنگی و نه افکار نوین در ایران می‌گشت.^{۲۲}

۱۲- سیورغامیشی ماخوذ از مغولی به معنی نوازش و تملطف، خیرخواهی و عنایت و توجه و التفات کردن.

۱۳- یارغو به معنی مواخذه، بازخواست، محاکمه، منازعه و دعوا.

۱۴- رشیدالدین فضل‌الله، جامع التواریخ، بکوشش دکتر بهمن کریمی، تهران ۱۳۳۸،

ج ۲ ص ۹۵۹.

۱۵- فخرالدین ابوسلیمان داود، تاریخ بناکتی (روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ والانساب)، به کوشش دکتر جعفر شعار، از انتشارات انجمن آثار ملی تهران ۱۳۴۸، ص ۴۶۹.

۱۶- حمداله مستوفی قزوینی، تاریخ گزیده، سعی ادوارد براون لندن ۱۳۲۸ هجری،

ص ۵۹۵-۵۹۴. مرگ غازان خان هفت ماه بعد از حادثه پیر یعقوب باغستانی اتفاق افتاده است.

مؤلف تاریخ بناکتی (ص ۴۷۰) می‌نویسد: «غازان... و یکشنبه یازدهم شوال سنه ثلث و سیمعانه (۷۰۳) روح مطهرش از دارالفرور به دارالسرور هجرت کرد.

۱۷- غیات‌الدین بن همام‌الدین الحسینی (خواندمیر)، تاریخ حبیب‌السیر، از انتشارات

خیام تهران ۱۳۳۳ ج ۳ ص ۱۵۷-۱۵۶.

۱۸- برتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه دکتر محمود میرآفتاب، تهران

۱۳۵۱، ص ۱۹۵.

۱۹- عباس اقبال، تاریخ مغول، تهران ۱۳۴۷، ص ۲۸۰-۲۷۹.

۲۰- محمدعلی تربیت، دانشمندان آذربایجان، تهران ۱۳۱۴، ص ۷۷.

۲۱- برای اطلاع بیشتر در خصوص شرح حال شیخ محمود شبستری رجوع کنید به:

«سخنوران آذربایجان»، عزیز دولت آبادی، از انتشارات دانشگاه آذربایجان، تبریز ۱۳۵۵،

ص ۱۵۲. به بعد همچنین رجوع کنید به: «ازمدی تاجامی» ادوارد براون، ترجمه علی اصغر حکمت

تهران ۱۳۳۹، ص ۱۸۶. به بعد.

۲۲- رجوع کنید به تاریخ ایران، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲ ص ۴۱۸.